

# فلسفه اخلاق و سیر تاریخی آن در افغانستان

فلسفه اخلاق و سیر تاریخی آن در افغانستان

محقق عبدالجبار عابد

## Philosophy of Ethics & Its Historical Course in Afghanistan

Author: Rrsearcher Abdul Jabbar Abed

ISBN 978-9936-645-39-4



9 789936 645394

نویسنده: محقق عبدالجبار عابد





دولت جمهوری اسلامی افغانستان

اکادمی علوم

معاونیت بخش علوم بشری

مرکز علوم اجتماعی

انستیتوت فلسفه و روانشناسی

پروژه علمی - تحقیقی:

# فلسفه اخلاق و سیر تاریخی آن در افغانستان

سال ۱۳۹۹ خورشیدی

محقق عبدالجبار «عابد»

## شناسنامه

- نام کتاب: فلسفه اخلاق و سیر تاریخی آن در افغانستان
- نویسنده: محقق عبدالجبار «عابد»
- ادیتور: معاون سرمحقق قند آقا «صاحبزاده»
- مهتمم: سرمحقق میرزا محمد «لودی»
- ناشر: ریاست اطلاعات و ارتباط عامه اکادمی علوم افغانستان
- سال نگارش: ۱۳۷۹ ه. ش
- سال چاپ: ۱۳۹۹ ه. ش
- محل چاپ: الهام نبی زاده، کابل - افغانستان
- تیراژ: ۵۰۰ جلد
- ISBN: ۹۷۸-۹۹۳۶-۶۴۵-۳۹-۴

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



## فهرست مطالب

الف.....	نظر استاد رهنما
ج.....	تقریظ
۱.....	مقدمه

### فصل اول

۵.....	نگاهی بر پیشینه موضوع
--------	-----------------------

### فصل دوم

۱۳.....	مفهوم، اصول و معیارهای فلسفی اخلاق
۱۳.....	۱- مفهوم فلسفه اخلاق
۳۴.....	۲- اصول و معیارهای فلسفه اخلاق

### فصل سوم

۷۹.....	مفهوم فلسفی اخلاق از دیدگاه فلاسفه
۷۹.....	۱- مفهوم اخلاق در اندیشه فلاسفه کلاسیک
۱۰۵.....	۲- مفهوم اخلاق در اندیشه فلاسفه معاصر

### فصل چهارم

۱۳۷.....	اصول و معیارهای اخلاق در افغانستان
۱۳۷.....	۱- اصول و معیارهای اخلاق در افغانستان قبل از اسلام
۱۴۲.....	۲- اصول و معیارهای اخلاق در افغانستان بعد از اسلام
۱۶۳.....	نتیجه
۱۶۷.....	پیشنهادها
۱۶۷.....	مآخذ



## نظر استاد راهنما

پروژه علمی تحقیقی تحت عنوان «اخلاق و سیر تاریخی آن در افغانستان» که مطابق پلان دورنمائی انجمن فلسفه و روانشناسی جهت رفع دوره نامزدی برای محترم عبدالجبار عابد سپرده شده و رهنمائی آن برای اینجانب محول شده بود اکنون آماده و به پایۀ اکمال رسیده است بناءً بعد از ارزیابی دقیق و همه جانبه در مورد آن چنین نظر ارائه میدارم:

محترم عبدالجبار «عابد» از آغاز تا انجام کار پروژه همیشه نظریات و مشوره های استاد رهنما را در نظر داشته و هر فصل را مطابق نورم های علمی و تحقیقی به رشته تحریر در آورده است. ثانیاً در کار پروژه از مآخذ و منابع خوب استفاده به عمل آورده که نهایت در خور اهمیت میباشد.

قابل یاد آور است که مؤلف در ضمن پژوهش تسلسل موضوعات را نیز جداً در نظر گرفته و فصل اخیر که از اصول و معیارهای اخلاقی در جامعه افغانستان بحث می کند مطابق کلتور و عنعنات پسندیده مردم ما به زبان ساده و سلیس نگاشته است، همچنان نتیجه گیری آن خوب و پیشنهاداتی که ارائه داشته است مناسب حال جامعه ما میباشد.



بناءً با در نظر داشت نکات فوق الذکر نظرم در مورد پروژه علمی  
محترم عبدالجبار عابد مثبت بوده و موصوف مستحق ترفیع از رتبه  
نامزد محقق به رتبه علمی محقق است، مؤفقیت های مزید برایش  
خواهانم.

با احترام

معاون سرمحقق داکتر خواجه الدین صدیقی

## تقریظ

به انجمن محترم فلسفه و روانشناسی!

به جواب نامه شماره (۱۱) ۱۴۲۱/۷/۲۴ شماست!

اثر تحت عنوان « فلسفه اخلاق و سیر تاریخی آن در افغانستان » که  
غرض تقریظ به اینجانب ارسال نموده بودید به غور مطالعه نمودم در  
زمینه چنین ابراز نظر مینمایم:

اثر فوق الذکر در چهار فصل تألیف گردیده است. فصل اول مروری  
بر پیشینه موضوع است، فصل دوم آن تحقیق بر مفهوم اصول و  
معیارهای اخلاقی تخصیص یافته که در لابلای آن مفهوم اخلاق و  
معیارهای اخلاقی را به بررسی علمی قرار داده است. و در فصل سوم  
مفهوم اخلاق از دیدگاه سایر علما و فلاسفه را در پویه تاریخ به تحقیق  
گرفته است. در فصل اخیر فصل یعنی چهارم کتاب که موضوع اصلی  
اثر به شمار می آید اصول و معیارهای اخلاقی در افغانستان را مورد  
بحث قرار داده است. در اخیر کتاب نتیجه گیری صورت گرفته و  
پیشنهادات با ارائه فهرست مآخذ نیز به طور معیاری آماده گردیده  
است.

باید گفت که به تمام موضوعات شامل فهرست توضیحات داده  
شده، کاستی های که در اثر موجود بود رفع گردیده است. آنچه که  
باید افزود میگردید در خلال ارتباط مستقیم با محقق محترم علاوه  
گردیده، همچنان آنچه مربوط به ارزش های خوب جامعه ما میگردد در  
این اثر به خوبی توضیح شده است.

ما که پیروان دین مبین اسلام هستیم به ارزش های والای اسلامی خویش ارج بیشتر می گذاریم، چه در ارزش های اخلاقی دین مبین اسلام حکمت خداوند نهفته است که درک کامل ماهیت آن خارج از عقل قاصر انسان است، در رعایت آن ارزش های خیر دنیوی و اخروی همه آدمیان و مفاد دارین است. ارزش های اخلاقی اسلامی برای همه مسلمانان یک سان وضع گردیده است، چه شاه است و چه گدا همه در مقابل رعایت این ارزش ها مکلفیت مساوی دارند و به رعایت آن همه یکسان مکلف اند و همین اصل از عدالت اسلامی سرچشمه گرفته و نمایانگر آنست که دین اسلام نظر به سایر ادیان دین عادل و مقبول است.

این همه تئورهای اخلاقی که در فلسفه اخلاق طرح و ارائه گردیده و ارزش های والای اسلامی را نمایانگر است در اثر گرانمایه محترم عبدالجبار عابد بخوبی شرح و توضیح گردیده است. من در حالیکه این اثر را مثبت ارزیابی مینمایم برای محقق محترم کامیابی های بیشتری در راه شگوفائی مشعل علم و دانش خواهانم.

در اخیر باید عرض کنم این اثر که نتیجه زحمات محقق محترم است، آن- را یک اثر علمی میدانم و اگر سایر شرایط لازم برای ترفیع رفع نامزدی به رتبه محقق را تکمیل نموده باشد من این اثر را برای ترفیع به رتبه محقق کافی میدانم و از دربار ایزد متعال برای شان مؤفقیات های بیشتر را تمنا دارم.

و من الله توفیق

محقق میرزا محمد لودی

## مقدمه

هرگاه انسان بخواهد خود را از سایر جهان هستی متمایز کند و از سایر پدیده‌ها برتر بداند معمولاً ادعا نمی‌کند که از سایر پدیده‌ها نیرومند تر با هوشتر یا به گونه‌ای بهتر است، بلکه تنها مدعی است که دارای عقل و سجایای عالی و حسن اخلاقی است.

واقعاً اخلاق که بزرگترین قوه محرک و رهنمای بشر است انسان را در روشنایی‌های قرار میدهد تا انسان ذریعه آن طرق بیرون رفت از نا ملایمتی‌ها و کجروشی‌ها را دریابد و برای اصلاح خود و اجتماع خویش تصمیم اتخاذ نماید.

اشخاصیکه با ممیزات اخلاقی آراسته و از رذایل مبرا هستند، در حقیقت خود سوق دهنده و مجری کارهای سالم در اجتماع خود میباشند، چرا انسان با داشتن قوه ادراک و تعقل می‌تواند خیر را از شر تمیز نموده و خود را آماده کارهای نیک سازد.

عالم بزرگ اسلام ابو نصر فارابی گفته است که منشأ عقل تربیت است و انسان کم عقل ضعف جامعه پنداشته شده و عامل زیادی نا بسامانی‌ها در جامعه و اجتماع خود می‌گردد، گذشته از آن او مشوره می‌دهد تا بخاطر تقویت عقل از مبادی دینی کمک و استمداد خواسته شود، زیرا آنچه موجب خیر و فلاح و رشد عواطف عالی انسانی میگردد همانا مشورت‌های دینی و اخلاقی در جامعه است.

فلاسفه و دانشمندان قوه متفکر یک ملت و جامعه محسوب می‌شوند، صنعتگران و کارگران که قوای مؤلف جامعه به شمار می‌روند به

منزلهٔ ستون فقرات و قوهٔ حیاتی می باشند همین نظام و تشکیلات وقتی در جامعه دارای بقا خواهند بود که اساس آن بر شالودهٔ قوانین و اصول اخلاق استوار باشد، اقوام و ملل که صاحب افراد با ایمان و با اخلاق نباشند هرگز صاحب وحدت و قدرت نخواهند شد هر چند هم که متمول باشند باز مثل آنست که بر فراز پرتگاه عمیقی ایستاده و هر لحظه در خطر سقوط و زوال میباشند. خلاصه اگر افراد یک جامعه همه برای خود شان زنده گی کنند و جزء خود خواهی و خود نمایی منظور و هدفی دیگری نداشته باشند افراد چنین جامعه محکوم به فنا و زوال است و مرگ و نیستی آن ها از قضایای مسلم به شمار می رود. هر وقت اخلاق قوم و ملتی از دست رفت، آن قوم و ملت را منقرض شده باید پنداشت، همچنان هر وقتی ملت از جاده تقوی و فضیلت منحرف گردید، و اعتنائی به راستی حق و عدالت نکرد آن ملت دیگر قابل زیست و بقا نخواهد بود. و بالاخره هر وقت مملکتی که در تمول، عیاشی و بطالت غوطه ور گردید، و مردم آن قانون، وظیفه شناسی و وطنپرستی را فراموش کرد و ارزش های اخلاقی را پشت پا زد حتماً ظلمت هائل آن مملکت را احاطه خواهد کرد. و اگر در این تاریکی شوم بر حسب اتفاق عده ای معدودی اشخاص با اخلاق باقی مانده باشند که دست یکدیگر را گرفته و بخواهند فکری به حال وطن خویش کنند باید بدانند که جزء به وسیله ای تجدید قوای اخلاقی افراد، دیگر به هیچ وسیله ای نخواهند توانست کاری به پیش ببرند، و ملت خود را از خطر زوال قطعی نجات دهند، ولی اگر اخلاق طوری از میان ملت رخت بر بسته و از بین رفته باشد که دیگر نتوان آنرا تجدید نمود هیچ امیدی برای نجات آن ملت باقی نخواهد ماند.

روی همین اصل و علاقه وافری که شخصاً به فلسفه اخلاق دارم موضوع «فلسفه اخلاق و سیر تاریخی آن در جامعه افغانستان» را انتخاب و بعد از پژوهش و غور همه جانبه از لابلای کتب و آثار گرانبهای قلم به دستان داخلی و خارجی این رساله را به تحقیق گرفته و به رشته تحریر در آوردم. در این رساله نه تنها راجع به اخلاق که به مثابه یکی از بزرگترین قوای محرک در جهان ثابت شده است بحث میشود، بلکه انسان را راهنما نیز است تا با کدام اصول و معیارها بتواند خود را به زیور اخلاقی بیاراید، همچنان بیان می شود که اشخاص با اخلاق علاوه بر حس وجدان دارای حس ادب و احترام نیز هستند که چنین اشخاص آراسته با همین خصایص عالیترین و نجیب ترین نمونه انسانیت دانسته شده اند. رساله بیان می دارد اشخاصی که در صدد یافتن فضیلت و اهدافی که او را قرین سعادت و نیکبختی سازد باشد صرفاً می تواند با فراگیری و رهنمایی علم اخلاق به اهداف والای زنده گی خویش رسیده و خود را آماده زیست با همی سازد.

ادوار تاریخی اخلاق (دوره کلاسیک و معاصر) بخشی دیگری است که انسان را در روشنایی افکار اخلاقی ادوار مختلف می گذارد، در این فصل بیان می شود که چگونه عادات محلی کهنه جای خویش را به معیارهای والا و بلند اخلاقی عوض می نماید.

بخشی دیگری کتاب اختصاص یافته است به اصول و معیارهای اخلاق در افغانستان قبل از اسلام و بعد از اسلام در معیارهای اخلاقی قبل از اسلام توضیح شده است که مردم آن وقت ساده گی، توابع، راستی، عهد و پیمان را دوست داشته و به آن ارج می گذاشتند، قوانین حکومتی کدام مزایا را دارا بوده هرگاه کسی که از امور قانون تخلف